

راز مرگ ۵میلیارد ستاره دریایی فاش شد



دانشمندان می‌گویند سرانجام راز مرگ بیش از ۵ میلیارد ستاره دریایی در سواحل اقیانوس آرام آمریکای شمالی را در طول یک همه‌گیری ۱۰ ساله حل کرده‌اند. به گزارش اقتصادسراسر آمد، ستاره‌های دریایی به طور معمول پنج بازو دارند و برخی از گونه‌های آنها تا ۲۴ بازو نیز دارند. آن‌ها در رنگ‌هایی از نارنجی یک دست تا طرح‌دار از نارنجی، و بنفش تا قهوه‌ای و سبزی دیده می‌شوند.

به گزارش ایسنا به نقل از بی‌بی‌سی، از سال ۲۰۱۳، یک بیماری مرموز به نام بیماری تحلیل‌رفتگی ستاره دریایی باعث یک مرگ‌ومیر گسترده از مکزیک تا آلاسکا در میان این جانوران شد. این همه‌گیری به بیش از ۲۰ گونه آسیب زده و آسیب هنوز هم ادامه دارد. آسیب‌دیده‌ترین گونه، ستاره دریایی آفتابگردان بود که در پنج سال اول شیوع، حدود ۹۰ درصد از جمعیتش را از دست داد. آلیسا گومن پوم‌شناس بیماری‌های دریایی در موسسه هاکای (Hakai) در بریتیش کلمبیا، کانادا می‌گوید: این واقعا بسیار دلخراش است. او که در شناسایی علت بیماری نقش داشته است افزود: ستاره‌های دریایی سالم بازوهای پُف کرده دارند که مستقیم به بیرون کشیده شده‌اند.

اما بیماری تحلیل‌رفتگی باعث می‌شود که آن‌ها دچار زخم شوند و بعد واقعا بازوهایشان جدا می‌شود. باکتری‌ای که صدف‌ها را نیز آلوده کرده مقصر بروز این بیماری است. ریکا و کا ترابز، میکروبیولوژیست دریایی از دانشگاه کالیفرنیا، سانتا باربارا می‌گویند: یافته‌ها پاسخ یک پرسش دیرینه درباره یک بیماری بسیار جدی در اقیانوس را می‌دهند.

بیش از یک دهه طول کشید تا پژوهشگران بتوانند علت این بیماری را شناسایی کنند و سرنخ‌های نادرست و مسیرهای پیچیده‌ای در طول مسیر وجود داشت. تحقیقات اولیه به این سو رفت که ممکن است علت بروز تحلیل‌رفتگی، یک ویروس باشد، اما مشخص شد ویروسی به نام دنزو ویروس که ابتدا مورد توجه دانشمندان قرار گرفت، در واقع به‌طور طبیعی در بدن ستاره‌های دریایی سالم وجود دارد و با بیماری مرتبط نیست.

تلاش‌های دیگر نیز نتوانستند عامل اصلی را شناسایی کنند، چون محققان یافت ستاره‌های دریایی مرده را بررسی کرده بودند که دیگر شامل مایع درونی بدن آن‌ها نبود. مایعی که اندام‌ها را احاطه می‌کند. اما این مطالعه‌ی جدید، تحلیل قیفی از این مایع که به آن مایع کوئلومیک (coelomic fluid) گفته می‌شود ارائه داده، و در آنجا باکتری Vibrio pectenici

دا بلیک اوشیجیما، میکروبیولوژیست از دانشگاه کارولینای شمالی در ویلمینگتون می‌گوید: یافتن منبع بسیاری از بیماری‌های محیطی به‌ویژه زیر آب فوق‌العاده دشوار است. کار تحقیقاتی این گروه «واقعا هوشمندانه و مهم» بوده است. اکنون که دانشمندان علت را می‌دانند، مناسب بیشتری برای مداخله به منظور کمک به ستاره‌های دریایی وجود دارد.

اکنون دانشمندان می‌توانند بررسی کنند که کدام یک از ستاره‌های دریایی باقی‌مانده هنوز سالم هستند و اینکه آیا باید آن‌ها را به مکان‌های دیگر منتقل کرد، یا در اسارت پرورش داد و بعدا به مناطقی که تقریبا همه‌ی ستاره‌های دریایی آفتابگردان خود را از دست داده‌اند، بازگرداند.

دانشمندان همچنین ممکن است بررسی کنند که آیا برخی جمعیت‌ها یعنی طبیعی دارند و اینکه درمان‌هایی مانند پروبیوتیک‌ها می‌توانند به تقویت ایمنی در برابر بیماری کمک کنند یا خیر. چنین اقدامات بازایی تنها برای ستاره‌های دریایی مهم نیست، بلکه برای کل زیست‌بوم‌های اقیانوس آرام اهمیت دارد، چون ستاره‌های دریایی سالم، خارپشت‌های دریایی اضافی را می‌خورند.

ستاره‌های دریایی آفتابگردان وقتی آن‌ها را می‌بینید، بی‌آزار به نظر می‌رسند، اما تقریبا هر چیزی که در کف اقیانوس زندگی می‌کند را می‌خورند، آن‌ها موجوداتی حریص در خوردن هستند.

با کاهش شدید تعداد ستاره‌های دریایی، جمعیت خارپشت‌های دریایی که معمولاً طعمه‌ی آن‌ها هستند، به‌شدت افزایش یافت و در نتیجه، در عرض کمتر از یک دهه، حدود ۹۵ درصد از جنگل‌های کلب در شمال کالیفرنیا را از بین بردند. این جنگل‌های کلب، غذا و زیستگاه برای گونه‌های گوناگونی از جمله ماهی‌ها، سمورهای دریایی و فک‌ها فراهم می‌کنند.

پژوهشگران امیدوارند که یافته‌های جدید به آن‌ها کمک کند جمعیت ستاره‌های دریایی را بازسازی کنند و جنگل‌های کلب را دوباره رشد دهند؛ جنگل‌هایی که ترابز آن‌ها را «جنگل‌های بارانی اقیانوس» توصیف می‌کند.

گروه راهبردی – مرتضی فاخری – در دهه‌های اخیر، پدیده مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جمعیتی، اجتماعی و سیاست‌گذاری عمومی بدل شده است. این روند نه‌تنها شامل گروه‌های متخصص و دانشگاه‌دیده، بلکه اقشار مختلف جامعه از جمله جوانان، صاحبان کسب‌وکار، و حتی خانواده‌ها را در بر گرفته است. افزایش چشمگیر تقاضا برای مهاجرت به کشورهای توسعه‌یافته، نشان‌دهنده وجود عوامل ساختاری و بنیادین در ایران است که نه‌تنها مانع شکوفایی فردی و اجتماعی می‌شوند، بلکه انگیزه خروج از کشور را تقویت می‌کنند.

به گزارش روزنامه اقتصاد سراسر آمد، مرتضی فاخری، محقق و پژوهشگر و کارشناس مسائل اقتصادی در مطلبی اختصاصی برای این روزنامه با بررسی مفهوم ناترازی در حوزه سیاست‌گذاری، توسعه و مدیریت جمعیت به تشریح تبعات منفی ناترازی‌های اقتصادی، آموزشی و... در افزایش آمار مهاجرت ایرانیان در سال‌های اخیر پرداخته است. این مطلب را در ادامه می‌خوانید:

یکی از کلیدی‌ترین مفاهیمی که در تحلیل این پدیده اهمیت می‌یابد، ناترازی‌هاست؛ یعنی بی‌تعادلی‌ها و عدم توازن‌های موجود در نظام اقتصادی، نهادی، آموزشی، اجتماعی و منطقه‌ای کشور. ناترازی‌های اقتصادی نظیر توزیع نابرابر فرصت‌های شغلی، نوسان‌های شدید در درآمد و تورم فزاینده؛ ناترازی‌های نهادی مانند محدودیت مشارکت اجتماعی، ضعف شفافیت و ناکارآمدی ساختارهای اداری و ناترازی‌های دانشی و علمی که موجب مهاجرت نخبگان و فرار مغزها شده‌اند، همه و همه به نوعی در تصمیم افراد برای ترک کشور نقش آفرینی می‌کنند.

مفهوم ناترازی در ادبیات توسعه، سیاست‌گذاری و مدیریت جمعیت

تحلیل پدیده مهاجرت در ادبیات علوم اجتماعی و اقتصادی عمدتاً بر پایه نظریه‌های کلاسیک و معاصر بنا شده است. نظریه Push–Pull با تبیین عوامل دافعه(نظیر بیکاری، ناامنی، فساد) وجاذبه(نظیر رفاه، آزادی، فرصت‌های شغلی) کشور مقصد، چارچوبی اولیه برای تحلیل انگیزه‌های مهاجرت فراهم می‌آورد. نظریه Dual Labour Market بر نقش تقاضای ساختاری کشورهای توسعه‌یافته برای نیروی کار مهاجر تأکید می‌کند، در حالی که Network Theory شبکه‌های اجتماعی را به عنوان تسهیل‌کننده مهاجرت می‌بیند و وابستگی تصمیم مهاجرتی به الگوهای قبلی را تبیین می‌کند. این سه نظریه در کنار هم می‌توانند ساختار چندوجهی مهاجرت ایرانیان را به‌ویژه در شرایط ناترازی‌ها روشن‌تر نمایند.

در حوزه سیاست‌گذاری توسعه، مفهوم ناترازی‌ها به عنوان شکاف‌های ساختاری و سیستمی در نظام اقتصادی، اجتماعی، اداری، آموزشی و منطقه‌ای شناخته می‌شود. ناترازی‌ها می‌توانند موجب تشدید نابرابری، انباشت ناکارآمدی و بروز احساس محرومیت نسبی در گروه‌های مختلف شوند. در ادبیات مدیریت جمعیت، چنین ناترازی‌هایی نه‌تنها به کاهش نرخ ماندگاری انسانی در یک منطقه می‌انجامند، بلکه روندهای مهاجرتی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ به‌ویژه در کشورهایی که ظرفیت اصلاح نهادی محدود است یا در آن‌ها شکاف میان انتظارات فردی و واقعیت‌های ساختاری پررنگ است.

مروری بر مطالعات داخلی نشان می‌دهد که مهاجرت ایرانیان اغلب تحت تأثیر ناترازی‌های اقتصادی(افزایش تورم، نرخ بیکاری)، آموزشی(تمرکز دانشگاه‌ها) و



نهادی(فساد، عدم شفافیت) قرار دارد. در پژوهش‌های بین‌المللی نیز کشورهایی چون ونزوئلا، لبنان و پاکستان به عنوان نمونه‌هایی با ناترازی‌های بالا بررسی شده‌اند که شباهت‌هایی با شرایط ایران دارند. همچنین مطالعات سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی، UNDP و OECD نشان داده‌اند که اصلاح ناترازی‌ها می‌تواند یکی از راهکارهای کلیدی برای کاهش مهاجرت‌های ساختاری و بلندمدت باشد. چنین پیشینه‌ای زمینه‌ساز تحلیل علمی و مقایسه‌پذیر در این مقاله خواهد بود.

ناترازی‌های اقتصادی

ناترازی‌های اقتصادی در ایران از جمله عوامل بنیادینی هستند که موج‌های مهاجرت نیروی انسانی، به‌ویژه جوانان و متخصصان را به شدت تحت تأثیر قرار داده‌اند. نابرابری درآمدی، تمرکز فرصت‌های شغلی در کلانشهرها و نبود عدالت در توزیع منابع، موجب شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی و بی‌الفتی در میان اقشار مختلف شده است. در چنین شرایطی، افراد با ظرفیت‌های حرفه‌ای بالا شاهد عدم تطابق میان مهارت‌های خود و فرصت‌های موجود در بازار کار داخلی هستند؛ عاملی که میل به ترک کشور و جست‌وجوی فرصت‌های برابرتر در بازارهای بین‌المللی را افزایش می‌دهد.

تورم مزمن، رشد سریع هزینه‌های زندگی و بیکاری گسترده فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، انگیزه اقتصادی مهاجرت را به یک محرک ساختاری تبدیل کرده‌اند. کاهش قدرت خرید، عدم‌ثبات در برنامه‌ریزی مالی فردی و خانوادگی و نبود چشم‌انداز شغلی پایدار از جمله عواملی هستند که مهاجرت را از یک انتخاب اختیاری به یک ضرورت تبدیل کرده‌اند. مجموعه این متغیرها نه‌تنها بر تصمیم‌گیری فردی اثر می‌گذارند، بلکه الگوهای مهاجرتی را در سطح ملی تغییر داده‌اند و منجر به تخلیه بخشی از سرمایه انسانی کشور شده‌اند که نقش حیاتی در توسعه اقتصادی و علمی کشور ایفا می‌کرده‌اند.

ناترازی‌های آموزشی ودانشی

تمرکز نابرابر منابع علمی، پژوهشی و دانشگاهی در ایران سبب شده است تا دسترسی عادلانه به فرصت‌های آموزشی و تولید دانش، به‌ویژه در مناطق محروم و شهرهای کوچک، محدود شود. تمرکز شدید امکانات در دانشگاه‌های معدود واقع در کلانشهرها، عدمهم‌پوشانی نظام آموزشی با نیازهای بازار کار و فقدان زیرساخت‌های حمایتی برای پژوهش‌های مستقل، موجب کاهش انگیزه نخبگان برای ماندن در کشور شده است. در چنین بستری، رشد علمی با محدودیت‌های ساختاری مواجه بوده که امکان پرورش استعدادها را کاهش داده و باعث گسترش احساس بی‌الفتی در میان دانشجویان و پژوهشگران جوان شده است. این شرایط به‌طور مستقیم در مهاجرت تحصیلی و فرار مغزها بازتاب یافته است؛ داده‌های سال‌های اخیر نشان می‌دهند که تعداد دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های برتر جهان به صورت قابل توجهی افزایش یافته، به‌ویژه در رشته‌های فنی، پزشکی و علوم پایه. بخش قابل توجهی از این مهاجرت‌ها نه به دلیل ضعف فردی، بلکه حاصل محدودیت‌های ساختاری در کشور مبدا هستند که مانع رشد علمی، همکاری بین‌المللی و نوآوری می‌شوند. این روند تهدیدی جدی برای توسعه پایدار کشور به‌شمار می‌رود و ضرورت بازنگری در سیاست‌های آموزشی، توزیع منابع علمی و حمایت از نخبگان را دوچندان کرده است.

ناترازی نهادی وساختاری

ناترازی نهادی و ساختاری در ایران از جمله عوامل کلیدی

«سراسر آمد» بررسی کرد؛

تبعات ناترازی‌ها بر سیل مهاجرت ایرانیان

مطالعه تطبیقی ومقایسه باکشورهای دیگر

کشورهایی مانند لبنان، ونزوئلا و یونان با درجات متفاوتی از ناترازی‌های اقتصادی، نهادی و منطقه‌ای مواجه بوده‌اند که منجر به شکل‌گیری موج‌های مهاجرتی شدیدی در دهه‌های اخیر شده است. در لبنان، بحران اعتماد عمومی، ضعف خدمات عمومی در مناطق غیرمرکزی و نابرابری شدید در توزیع منابع، باعث افزایش مهاجرت نیروهای متخصص و جوان شد. ونزوئلا، باوجود برخورداری از منابع طبیعی غنی، به‌دلیل ناکارآمدی اقتصادی و فروپاشی نهادی، تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان مهاجر در آمریکای لاتین شده است. یونان نیز در پی بحران مالی سال ۲۰۱۰، با موج خروج جوانان تحصیلکرده مواجه شد؛ پدیده‌ای که عمدتاً ریشه در ضعف فرصت‌های شغلی و تمرکز توسعه در آتن داشت. در پاسخ به این بحران‌ها، برخی سیاست‌گذاری‌های اصلاحی در یونان و لبنان تجربه‌های نسبتاً موفقی را رقم زدە‌اند. یونان با اجرای برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری در گردشگری روستایی و اعطای مشوق‌های مالیاتی به کسب‌وکارهای محلی، تلاش کرد تا تمرکز اقتصادی را کاهش داده و فرصت‌های جدیدی در مناطق پیرامونی ایجاد کند. لبنان نیز علی‌رغم چالش‌های سیاسی، طرح‌هایی برای تقویت زیرساخت آموزشی در مناطق شمالی و جنوبی آغاز کرده است تا توزیع منابع علمی و خدماتی را متوازن‌تر سازد. این رویکردها نشان می‌دهند که سیاست‌هایی مبتنی بر عدالت فضایی، مشارکت اجتماعی، و حمایت از مناطق محروم می‌توانند اثرات ناترازی را کنترل کرده و انگیزه مهاجرت را تعدیل کنند.

مطالعه تطبیقی با این کشورها می‌تواند برای ایران، به‌ویژه در طراحی راهبردهای توسعه متوازن، اصلاحات نهادی و تقویت سرمایه اجتماعی آموزنده باشد. اتخاذ رویکردهای چندسطحی شامل بازتوزیع منابع، شفاف‌سازی تصمیم‌گیری‌ها، تقویت نهادهای میانجی و تمرکززدایی از تهران، می‌تواند بخشی از الگوی سیاستی برای کاهش جریان‌های مهاجرتی باشد. بهره‌گیری از تجارب موفق و ناموفق سایر کشورها به دولت ایران این امکان را می‌دهد که در چارچوبی مبتنی بر شواهد، ناترازی‌های محرک مهاجرت را شناسایی کرده و با اصلاحات هدفمند به حفظ سرمایه انسانی و جلوگیری از فرسایش اجتماعی بپردازد.

نتیجه‌گیری وپیشنهادها

مجموع بررسی‌های این مقاله نشان داد که ناترازی‌های چندوجهی از اقتصادی و نهادی گرفته تا آموزشی، فرهنگی و منطقه‌ای، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و تشدید روندهای مهاجرتی در ایران دارند. این ناترازی‌ها نه‌تنها شرایط زیستی، حرفه‌ای و اجتماعی را برای افراد دشوار می‌سازند، بلکه ادراک ذهنی آنان از آینده را نیز تضعیف کرده و مهاجرت را به عنوان راه فرار از بن‌بست‌های ساختاری تقویت می‌کنند. شدت و گستره این نابرابری‌ها به‌گونه‌ای بوده که مهاجرت، از انتخابی فردی به پدیده‌ای جمعی و ساختاری تبدیل شده است.

در واکنش به این بحران، سیاست‌گذاران باید به جای رویکردهای مقطعی و انکارگرایانه، به اصلاحات ساختاری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و توانمندسازی مناطق محروم توجه کنند. شفاف‌سازی نهادی، مقابله با فساد، سرمایه‌گذاری در آموزش و پژوهش، ارتقای ظرفیت‌های اداری و بازتوزیع منطقه‌ای منابع می‌تواند بخشی از راهکارهای کاهش ناترازی‌ها باشد. تجربه کشورهای مشابه نشان می‌دهد که توسعه پایدار بدون بازنگری در مدل‌های حکمرانی و برنامه‌ریزی فضایی غیرممکن خواهد بود.

پیشنهاد می‌شود دولت و نهادهای مستقل با تشکیل کمیته‌های تخصصی، پایش مستمر داده‌های مهاجرتی و بهره‌گیری از رویکردهای تطبیقی، زمینه طراحی سیاست‌هایی مبتنی بر عدالت اجتماعی و منطقه‌ای را فراهم کنند. همچنین حمایت از نخبگان، ایجاد بستر مشارکت مدنی و تقویت نهادهای میانجی فرهنگی و اجتماعی، به حفظ سرمایه انسانی و کاهش روندهای مهاجرتی کمک خواهد کرد. مقاله حاضر می‌تواند مبنایی برای مطالعات سیاستی آینده و توسعه ابزارهای عملی در مدیریت مهاجرت مبتنی بر کاهش ناترازی باشد.

بدون شرح

قاب‌دوربین



عکس: اصغر بشارتی